

فقه

اسلامی

من يرد الله به خير ا يفقهه
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید
او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عُقْدَةً
○ مِنْ لِسَانِي ○ يَفْعَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)
"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کوه!
او زما امر (درسال) را ته آسان کوه! او زما
له زی خنده غویه پرانیزه! چه (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیری"

جون 2019

رمضان 1440

شماره دو صد شصت و یکم

زهرا آسود کتابهای که باعث انحراف اذهان شاگردان
می شود در امان بمانند.

تعمیر مساجد و مدارس در کشور های غیر اسلامی از
پول زکات

و مثل مدارس می توان گفت تأسیس کتابخانه برای
مطالعه در مقابل کتابخانه های تخریب کننده و
همچنان بنای شفا خانه های اسلامی برای علاج
مسلمانان و نجات شان از شفا خانه ها و مؤسسات
تبشیری.

سؤال: بعضی علمای معاصر اجازه میدهند که از پول
زکات میشود در بناء مساجد و شفا خانه و مدارس و
غیره اعمال خیریه مصرف شود و حجت این دسته از
علمای دراین است که تمام این اعمال خیریه در معنی
(سیل الله) که آیه کریمه مصرف زکات را تعیین نموده
شامل است.

حكم ساختن مسجد با قرضه بانکی
امام بزرگ شیخ جامع الازهر جواب میدهد

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد:
تأسیس مدارس در وقت عادی یک عمل خوب و صالح
و قابل شکر است لیکن بدرجه جهاد نمی باشد یعنی
مساوی به جهاد نیست.

الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على
رسول الله وبعد:
افغانهای شمال کالیفورنیا از امام اکبر شیخ لازهر
در موضوعات آتی سؤالات نموده اند:

- 1) گرفتن فایده که بانک هادر امریکا میدهند.
- 2) تعمیر مساجد به قرضه بانکی به اساس سود.
- 3) خریدن بیمه زندگی.
- 4) خریدن تکت لاتری.

اولا: از گرفتن فایده از بانک در امریکا:

لیکن اگر در کشوری که اداره تعلیم آن بدست مبشرین
(کسانی که به مسیحیت دعوت میکنند) و کمونستها و
سیکولرها که طرفدار جدائی دین از دولت اند و بی دین
ها باشد در این حالت تأسیس و ساختن مدارس اسلامی
از بالاترین درجه جهاد به حساب می آید تا اولاد
مسلمانان آنچه از دین در امور دنیا و آخرت احتیاج
دارند تعلیم بگیرند و اولاد مسلمانان از تخریب
و انحرافات فکری و اخلاقی حفظ شوند و مطالب

جمهور فقهاء دلیل مصرف نمودن مال حرام را در راه عام المنفعه و مصالح مردم از حدیث شریف که امام الغزالی در کتاب احیاء علوم الدین در مورد حلال و حرام آورده است میگیرند. العراقي حدیثی که امام احمد بسند جید و قوی از بی عائشه رضی الله عنها روایت کرده استخراج میکند و در حدیث شریف آمده که: (برای حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم گوسفند کباب شده آورده شد و آنحضرت دانست که گوسفند مذکور حرام است و از آن خورد و امر نمود که صدقه شود و فرمود که برای تناول الأساری فرستاده شود). (قدمت الى النبي صلی الله علی علیه وسلم شاه مصلیه فكلمته بأنها حرام فلم يطعمها و أمر بالتصدق بها و قال أطعموها الأساری).

جمهور فقهاء از موضوع و معنی حدیث شریف فوق الذکر این قیاس را نمودند که: (مالی که نا معلوم باشد « یعنی صاحب اصلی آن معلوم نباشد » بین نظریه که از بین برده شود یا تلف گردد و یا به امور خیریه مصرف شود این طور قیاس نمودند که در عوض تلف شدن در امور خیریه به مصرف رسانیده شود در عوضیکه ترک شود تا اینکه تلف شود و از آن هیچ نوع فایده گرفته نشود . دادن آن برای فقیر و یا مؤسسات خیریه مفاد بیشتر دارد و کسیکه مال نا معلوم در دست دارد از غم و مسئولیت آن که برایش حرام است خلاص میشود .

اگر مال خبیث به منفعت و رفع حاجت مردم مصرف شود بهتر است که مصرف شود - اگر چه از سرمایه و پول حرام نیز باشد - باید در منافع و مصالح عمومی مردم مثل تعمیر شفا خانه و یتیم خانه و برای فقراء مصرف گردد و نباید گذاشت که غیر مسلمانان از آن

قرآن و سنت نبوی شریف هر نوع فایده با شرط را که قبل از نوشته شده و چه به اساس عرف که بانک ها در مقابل تسليم نمودن پول اشخاص می دهند از جمله سود به حساب میآید و در معامله سود بین افراد یا اشخاص و جماعات و بین افراد و کشورها فرقی موجود نیست و برای مسلمان اجازه نیست که در احتیاجات شخصی و در شئون زندگی خود و خانواده ای خود چون غذا و لباس و غیره از مفاد بانک استفاده کند زیرا چنانکه توضیح داده شد سود حرام است و خداوند در سوره آل عمران آیه 130 و بقره از آیات 275 حرمت سود را روشن ساخته است.

چون این نوع مفاد حرام است پس باید پول گرفته شده یعنی مفاد بانک در مصالح عمومی مثل تعمیر شفا خانه و مدارس و مساجد به مصرف رسانده شود و برای بانگ گذاشته نشود خصوصا در کشور های غیر اسلامی تا بانک از آن پول یعنی پول فایده علیه مسلمانان مصرف نکند.

جمهور فقهای اسلام نظر میدهند که اگر مسلمان پول حرام را بدست آورد و یا یافت ضرور است که اگر صاحب آن در قید حیات باشد برایش مسترد نماید و اگر وفات کرده باشد برای ورثه اش تسليم کند و اگر غایب باشد منتظر آمدنیش را بکشد و پول را با مفاد آن به امانت برایش تسليم نماید.

اگر مال حرام باشد و صاحب آن نا معلوم باشد و انسان از یافتن صاحب آن نا امید گردد و نداند که زنده است یا وفات نموده و نداند که ورثه دارد یا نه در این حالت پول را در مصالح عامه و منفعت مسلمانان مثل بنای مساجد و شفا خانه ها و کاریز ها و ساختن سرک ها مصرف کند.

بدون فایده از بانک که سود است، درین حالت جواز دارد که یک مقدار و حصه از زکات مال خود را برای تعمیر مسجد بدهند (زکات دو نیم فیصل است اگر نصاب آن تکمیل شده باشد و نصاب مبلغ معادل 85 گرام طلا به قیمت پول نقد قابل استعمال در کشوری که انسان در آن اقامت دارد می باشد البته به قیمت همان روزی که زکات میدهد و یک سال از مال و سرمایه گذشته باشد).

اگر مسلمانان از خود سرمایه ندارند که زکات بدهند و قدرت مالی برای مصرف کردن را نیز نداشته باشند تا مسجد تعمیر کنند در این صورت از مؤسسات دینی کمک طلب نمایند.

اگر کمک و مساعدت برای شان (مقصد مهاجرین افغانستان در امریکا است) در تعمیر مسجد نرسید و سرمایه داران از بخل کارگرفتند و مقداری از سرمایه خود را که از مال حلال است ندهند در این حالت جواز است تا قرضه از بانک با فایده گرفت زیرا یک ضرورت است و هم فایده - سود - که بانک برای اشخاص میدهد از آن در تعمیر مسجد می شود استفاده نمود و آن هم برای ضرورت .

در مورد زکات

خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزكيهم بها و صل عليهم إن صلاتك سكن لهم و الله سميع عليم (سورة التوبة: 102)

(از اموال آنان صدقه ای بگیرتا به و سیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برایشان آرامشی است و خدا شناوری دانا است تعريف زکاه:

زکاه به معنی پاک شدن و افزون شدن است و معنی شرعی آن برآوردن پاره از اموال و دادن آن به فقراء است . زکاه یکی از ارکان اسلام است که در بسا

استفاده کنند تا اینکه ایشان از استفاده آن یک ضرر بزرگ را برای خود مسلمانان برسانند .

دوم- تعمیر مسجد از پول قرضه با سود یا فایده بانکی: مسجد خانه خداوند در روی زمین است و خداوند متعال میفرماید : (وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا * مَسَاجِدٌ اَنْ خَادُونَدَ اَسْتَ وَ بَا خَادُونَدَ كَسَى رَا عبادت نکنید ، سوره الجن: 18) .

خداوند امتیازی که برای شریعت اسلام عطاء نموده آن است که زمین را برای مسلمانان مسجد تعیین و اختیار نموده تا بالای آن نماز بخوانند و زمین را پاک گردانیده تا به آن تیم نمایند .

امام مسلم و امام الترمذی از ابی هریره رضی الله عنہ روایت مکنند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که : نسبت به سائر انبیاء خداوند مرا به شش صفت زیادتر افضلیت داده است که یکی آن ، آن است که خداوند زمین را برایم پاک و سجده گاه گردانیده ۰ (صحیح مسلم بشرح النووي جلد 5 صفحه 5 و صحیح الترمذی جلد 7 صفحه 42) .

در حالیکه موضوع از این قرار است پس تعمیر مساجد از اعمال خیریه خاص برای خداوند متعال است و تعمیر آن از مال حلال لازم می باشد زیرا به نیت نزدیک شدن و قرب به خداوند سبحانه است و خداوند سبحانه قبله نمیکند مگر اینکه پاک باشد .

مسلمانان به تعمیر و بنای مسجد به قرضه با فایده از بانکها اقدام نمیکنند زیرا حرام است بلکه با هم مشارکت و همکاری نموده هر کدام به اندازه قدرت و توان امالی و تخصص خود سهم میگیرند .

بین مسلمانان معروف است و شهرت دارد که صحابه با رسول الله صلی الله علیه وسلم در تعمیر مسجد در مدینه منوره همکاری نمودند .

مسلمانان افغان مقیم شمال کالیفورنیا و تعداد شان به 15 هزار میرسد و قادر به تعمیر مسجد به قدرت مالی خود نیستند و آن هم از سرمایه حلال و به قرضه حسنی

دکتور محمد عماره

بدیع الزمان سعید النورسی (1294-1379 هـ ، 1877-1960 م) یکی از دعوت کننده‌گان برادری اسلامی و تأسیس جامعه اسلامی بود . از جانب دیگر او دشمن قوی تعصبات قومی که اساس برادری اسلامی را صدمه میزد بود . از نظر بدیع الزمان رابطه بین امت اسلامی فریضه‌ای از فرائض الهی به حساب می‌آمد (إن هذه أمتكم أمة واحدة و أنا ربكم فأعبدون) (الأنبياء: 92) .

با اینکه النورسی از نژاد کرد بود اما او بشدت دعوت کرد ها را برای تأسیس دولت کردستان رد کرد و این دعوت را مخالف وحدت امت اسلام دانست .

النورسی دعویت کردها را برای جدائی زیر نام قوم رد کرد و گفت که این دعوت وحدت امت اسلامی را « صدمه میزند . زمانیکه ژورنالیزم معروف کرد » رفعت‌بک « نامه‌ای عنوانی النورسی فرستاد و ازاو خواست تا دعوت برای تأسیس دولت کردستان را تأیید کند . النورسی در جواب همان عبارت قدیم خود را نوشت که این نوع دعوت وحدت امت اسلامی را صدمه میزند . زمانیکه کردها جمعیت (جمعیة تعالی الأکراد) را بریاست عبدالقدار تأسیس کردند و از النورسی خواستند تا حرکت کردها را برای جدائی و تأسیس کردستان تأیید کند بشدت رد کرد و نپذیرفت .

با تمام مخالفت‌ها که النورسی با نظام غیر اسلامی کمال اتابورک در ترکیه داشت با آنهم دعوت کردها را برای تأسیس کردستان بشدت رد کرد و انقلاب کردها را که بزعامت شیخ سعید بیران در 1925 در شرق ترکیه بود تأیید نکرد و انقلاب 1925 کردها احتیاج و ضرورت به تأیید النورسی برای کامیابی خود داشت . شاگردان و مریدان از النورسی دعوت به تأیید انقلاب کردها نمودند و در همین زمان

آیاتی از قرآن کریم بدان امر شده است . فرضیت زکا در سال دوم هجرت بوده است ولی روایاتی هم موجود است که فرضیت آن در سال نهم هجرت و یا قبل از هجرت بوده است، لیکن سال دوم هجرت صحیح تر می‌نماید .

در کتاب صحیح البخاری حدیثی است که ابن عمر رضی الله عنہما از پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم روایت میکند که فرموده است:

« بنای اسلام بر پنج است: گواهی اینکه نیست معبد برب حق بجز خدا و محمد فرستاده‌ای خداوند است، و بر پاداشتن نماز و دادن زکا و ادای حج و روزه‌ای ماه رمضان * کتاب ایمان : حدیث: 8 ». پس فرضیت زکا نظر به امر خدا و رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم و اجماع امت ثابت است و منکر آن کافر می‌گردد .

معنى زکا و صدقه:

زکا در زبان و لغت: زکا مصد آن (زکا) است یعنی نمو و زیادت و همچنان برکت و طهارت و صلاح و نمو را معنی میدهد « معجم الوسيط جلد اول ص: 398 » .

زکا در شرع: در اصطلاح شریعت زکا مقدار معین و یا حصه و مقدار معین از مال می‌باشد که خداوند بالای مسلمانان آنرا فرض نموده تا برای مستحقین آن بدهد .

معنى صدقه: زکا شرعی در زبان قرآن و سنت بنام صدقه یاد شده . الماوری میگوید: (الصدقة زکا، و الزکا صدقه، يفترق الاسم و يتفرق المسمى * صدقه زکا است و زکا صدقه است در اسم با هم فرق دارند و در اصل یکی‌اند) .

منکر فرضیت زکا کافر است: علمای اسلام می‌گویند کسیکه فرضیت زکا را انکار کند کافر می‌شود . النوی میگوید که: اگر تازه مسلمان شده باشد حکم به کفر وی نمی‌شود تا اینکه فرائض اسلام را بداند و اگر دانست و بعد از انکار کرد حکم به کفر وی می‌شود .

بدیع الزمان /

اثر حالت نفسانی در احکام شرعی

انسان تکوین یافته و یا ساخته شده از جسد ، روح ، عقل و نفس و اسلام در تشریعات خود تمام مکونات انسان را در نظر گرفته و برای هر عنصر از عناصر تکوین انسان قوانین خاص شرع و در تشریعات اسلامی عناصری که انسان از آن تکوین گردیده مد نظر بوده .

اسلام در تشریعات آسانی و رفع مشکلات را که برای مکونات انسان تأثیر دارد مد نظر دارد و اگر جسد ضعیف باشد در عبادات و تشریعات که ارتباط به جسد دارد ، صحت جسد را مد نظر گرفته و آسانی را در اداء عبادات بوجود آورده تا انسان ضعیف بتواند آنرا اداء کند بدون اینکه مشکلات را مواجه شود .

تشريعات در اسلام در پهلوی تمام مکونات که انسان از آن تشکیل شده ، حالت نفسانی را نیز اعتبار می دهد و حالت نفسانی انسان را در تشریعات مد نظر دارد .

اگر تشریعات اسلامی بدقت مطالعه و بررسی شود ملاحظه می شود که تشریعات یا قوانین اسلامی حالت نفسانی و روحی و روانی انسان را مراعات کرده است بطور مثال :

شریعت برای شخص که خوف و ترس از ظلم حاکم مستبد و یا کسی که برایش میخواهد ضرر برساند داشته باشد اجازه می دهد تا نماز را در منزل خود بخواند و به مسجد برای نماز جماعت حاضر نشود . در امور قضائی ، اسلام شرط میگذارد قاضی در وقت قضاوت باید حالت نفسانی معتدل و آرام داشته باشد . در این مسئله آمده که : قاضی قضاوت نکند اگر حالت نفسانی آرام و معتدل نداشته باشد باین معنی که اگر قاضی حالت نفسانی اش آرام نباشد حکم اش ظالمانه میباشد .

حسین باشا یکی از زعمای قبائل کردی از النورسی دعوت کرد تا علیه اتابورک انقلاب را اعلان کند و یا از انقلاب کردها حمایت کند . بین النورسی و حسین باشا ملاقات صورت گرفت که خلاصه مجلس شان برای کردها امروز بسیار مهم است (برای افغانها نیز درس بزرگ به حساب می آید) .

حسین باشا به ملاقات بدیع الزمان در کوه « ارک » رفت و برایش گفت :

بخدمت شما برای گرفتن مشوره در یک امر مهم آمده ام ، عساکر من آماده گی کامل برای انقلاب دارند و اسلحه کافی و ذخیره و اسپ ها نیز داریم و فقط به اشاره شما انتظار داریم .

النورسی پرسید : چه می گوید ؟ و در نیت شما چه است که انجام بدھید ؟ با کی جنگ می کنید ؟
جواب داد : با مصطفی کمال جنگ می کنیم .
عسکر مصطفی کمال کی ها اند ؟
نمی دانم لیکن آنها عساکر او هستند .

این عساکر اولاد این وطن هستند ، از نزدیکان من و شما هستند ، بالای کی آتش فیر می کنید ؟ فکر کنید و بدانید ، آیا می خواهید احمد محمد و حسن حسین را بقتل برساند ؟

بعد از این مذاکره النورسی نامه عنوانی زعیم انقلاب کردها شیخ سعید بیران باین عبارات نوشت : ما مسلمانان هستیم و ترکها برادران ما هستند نخواهید برادر با برادر جنگ کند و این امر شرعا جواز ندارد و شمشیر کشیده نمی شود مگر در مقابل دشمنان خارجی و شمشیر در داخل کشور استفاده نمی شود و بهترین راه برای نجات مادر این زمان ارشاد و رهنمایی مردم به حقائق قرآن و ایمان است و مبارزه با جهل ، لذامی خواهم تا این نظر خود بگذرید که نتیجه آن ناکامی است زیرا هزار ها نفر به هلاکت میرسند که شامل مردان و زنان میباشند و فقط چند نفر محدود مجرم و خائن در بین کشته میشوند .

اثر حالت نفسانی /

در قضیه سقط جنین غیر سلیم از نظر جسمانی و عقلانی. اگر طب به اثبات برساند که طفل در بطن مادر مشکل عقلی دارد و فاقد عقل و احواس سلیم است و یا اعضاء بدنش سالم نیست و به همین شکل و صورت تولد می شود. فقهاء و علماء در گذشته سقط جنین را قبل از چهار ماه جواز دانستند و بعد از مدت چهار ماه در صورتیکه وجود جنین برای صحت مادر ضرر داشته باشد می دهند و دلیل این بود که مادر اصل و جنین فرع است و نباید اصل قربانی فرع گردد. در حالت که جنین سبب ضرر برای صحت مادر باشد و جنین نیز به صحت باشد ، مادر حفظ و جنین سقط می شود.

در حکم سقط جنین ، صحت بدنی مادر مورد توجه بود و به خاطر حمایت مادر سقط جنین جواز داشت ، اما حالت نفسانی و روانی مادر در حالت سقط جنین که غیر سلیم است و غیر سالم تولد می شود مد نظر دانشمندان نبود در این حالت موضوع روانی و نفسانی مادر در داشتن طفل غیر سلیم از ناحیه فکری و جسمانی مورد توجه نبود در حالیکه مادر در داشتن طفل غیر سلیم از ناحیه بدنی و روانی بیشتر نسبت به حالت جسمی خود رنج می برد. آیا دشواریهای بدنی و فزیکی مادر را در حالت سقط جنین مدنظر گرفت و دردهای روانی و نفسانی او را نادیده گرفت ؟

علماء باین باور هستند که اگر زن مانع عمل جنسی شوهر شود تا صبح ملائکه بر او لعنت می فرستند. مانع زن از عمل جنسی ارتباط به نشوز او دارد. در این مورد یعنی عدم قبول عمل جنسی ارتباط به امور روانی و نفسانی نیز دارد که سبب منع عمل جنسی می شود. منع زن به عمل جنسی ممکن ارتباط به معامله زشت شوهر داشته باشد و شوهر با زن در جریان روز مشاجره و جنگ کرده باشدو اسباب معنوی و نفسانی سبب منع و عدم رضا به عمل

در کتب سنت باب مستقل بنام «کراهیت حکم قاضی در حالیکه در غضب باشد» است. ابوبکره به پسر خود که در سجستان بود نوشت که در حالیکه در غضب باشی بین دو نفر حکم مکن ، زیرا من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمودند: «حاکم بین دو نفر در حالیکه در غضب باشد حکم نکند». غضب یعنی در حالت عصبانی و غیر بودن و حالت نفسانی بد است.

در مسأله طلاق شریعت حالت نفسانی و روانی را در نظر دارد و طلاق را در حالت غضب نمی پذیرد . باین معنی اگر شوهر در حالت غضب و حالت نفسانی غیر آرام که قدرت تحکم و تسلط را بالای نفس و عقل خود نداشته باشد و نداند که چه می گوید و از آنچه می گوید بعداً نادم شود طلاق نظر به قول رسول اکرم صلی الله علیه وسلم واقع نمی شود « لا طلاق و لا عتقاق فی إغلاق ». علماء کرام موضوع طلاق را در حالت نفسانی و غضب بحث کردند و در نهایت علامه امام ابن القیم رساله مهم را در این باب تحت عنوان : « إغاثة اللھفان فی حکم طلاق الغضبان » تأثیف کرد که مطالعه آن برای هر انسان ضروری است.

در سنت نبوی آمده اگر مسلمان یک انسان معیوب را می بیند و مشاهده می کند که عضو از بدن خود را از دست داده ، باید دعا کند که خداوند اعضای بدن او را سالم داشته باشد و اما این دعا سری باشد و نباید در حضور معیوب بصدای بلند دعا کند تا شعور و عاطفه و حالت نفسانی شخص معیوب اذیت نشود.

مطلوب و مسائل زیاد است که ضرورت و احتیاج به مراجعت و بررسی و مطالعه در عصر حاضر دارد و از دانشمندان و علماء عصر حاضر می خواهد تا حالت نفسانی و روانی انسان را در تشريعات مدنظر داشته باشند بطور مثال:

امور نفسانی و روانی دارد مثلاً عدت زن که شوهرش وفات کرده و قضیه خارج شدن او از منزل شوهر و باقی ماندن برای مدت چهارماه و ده روز مطالعه و مراجعته میخواهد. همچنان قضیه آرایش وزینت و استعمال عطر خصوصاً در رفتن به وظیفه و استفاده از وسائل نقلیه دست‌جمعی و اگر این امور منع شود حرج و مشکلات برای زنان بیشتر می‌شود و سبب مریضی‌های نفسانی و روانی می‌گردد و این امور نیز مطالعه جدید را میخواهد. در عصر حاضر حالت نفسانی و روانی در هر قضیه باید مدار اعتبار باشد و فقه اسلامی، فقه غنی و عظیم است و برای وسائل جدید حل جدید را دارد و فقه اسلامی تغییرات اجتماعی و بوجود آمدن وسائل جدید را با ارتباط حالت نفسانی و روانی بحث میکند و بین فقه واقعی و زندگی معاصر ارتباط قوی وجود دارد.

شیخ عصام قلمیة (از علماء معاصر الازه)

اثر حالت نفسانی /

جنسی شده باشد. رابطه جنسی تنها رابط شهوانی و فزیکی نیست و عمل روانی و نفسانی نیز است و اسباب روانی و نفسانی مانع لعنت برای زن است. شریعت تکالیف شرعی را از زن در وقت مریضی ماهوار و نفاس برداشته است و دلیل آن حالت نفسانی و روانی غیر مستقر و آرام زن است.

قضیه انتخار و شخصیکه خود کشی میکند، قبل از اینکه حکم در مورد شود لازم است حالت روانی و نفسانی شخص را بررسی کرد و حالت نفسانی و روانی را اعتبار داد. در خطاب دینی مسلمانان تنها به عمل انتخار کننده توجه دارند و امور روانی و نفسانی انتخار کننده را اعتبار نمی‌دهند و در اغلب اوقات انتخار از دست میدهد و این مسئله از ما میخواهد که باسas رحمت دینی به امور نظر کنیم و از باب رحمت دین به قضیه دید و حکم نمود و رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برای انتخار کننده دعای مغفرت و جنت کردند. {انتخار یا خود کشی که حالات نفسانی دارد به عملیات انتخاری در جنگها متفاوت است}.

قضیه تجاوز جنسی و حمل زن از این عمل، در مورد سقط جنین علماء در حالات بسیار ضروری اجازه دهنده به دلیل اینکه طفل مسئولیت تجاوز جنسی را ندارد. در این مورد بعد دیگر نیز است که قابل تفکر و تأمل بیشتر میباشد و عبارت از بعد نفسانی و روانی است. زن از داشتن طفل در رحم خود رنج می‌برد و جامعه نیز نسبت به مادر و طفل به نظر خوب نمی‌بیند. در روشنی امور معنوی و نفسانی و روانی در این قضیه باید تجدید نظر شود و حالت نفسانی و روانی مادر مد نظر باشد و نباید تنها به نصوص گذشته اکتفاء کرد و حالت حاضر باید مورد اعتبار و احترام باشد.

قضایای مهم اجتماعی و شخصی است که احتیاج و ضرورت به مراجعت در روشنی تغییرات اجتماعی و

قضای روزه

اشخاصیکه به سبب عذر مثل مریضی، سفر، حیض و نفاس، حمل و شیردادن و یا روزه برای شان فوق طاقت بوده باشد و در ایام ماه مبارک رمضان افطار کرده باشند بعد از ماه مبارک رمضان قضای روزه را بگیرند.

گرفتن قضای برای مسافر و مریض یه حکم قرآن کریم ثابت است «فعدة من أيام آخر» و قضای روزه به سبب حیض و نفسا به حکم سنت ثابت است. ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها می فرماید: «كنا نحيض في عهد النبي صلى الله عليه وسلم ، فكنا نؤمر بقضاء الصوم ، ولا نؤمر بقضاء الصلاة» در عهد رسول اکرم صلی الله علیه حیض می شدیم ، امر به قضاء روزه می شدیم و امر بقضاء نمازنمی شدیم.

قضاء نماز عید: ابو عمیر بن انس گفت: کاکا زاده هایم از انصار از اصحاب رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم حکایت کردند و گفتند: هلال ماه شوال را دیده نتوانستیم لذا روزه گرفتیم ، در آخر روز کاروانی آمد و نزد رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم شهادت دادند که هلال شوال را دیروز دیدند ، رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم امر فرمودند که افطار کنیم و فردا برای نماز عید حاضر شویم . این حدیث حجت است برای آنانکه که میگویند که اگر یک گروه نماز عید از ایشان به سبب یک عذر گذشته باشد فردا آن نماز عید را اداء کنند.

تکبیرات عید: تکبیر در روز های عید سنت است. تکبیر در عید رمضان از وقت خارج شدن به نماز عید تا آغاز خطبه است و در روایت دیگر از تکبیر آغاز می شود از دیدن هلال تا رفتن به مصلی. **یکجا شدن جمعه و عید:** اگر جمعه و عید در یک روز واقع شود نماز جمعه از کسانیکه نماز عید را اداء کردند ساقط می گردد . زید بن أرقم می گوید: رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نماز عید را خواند و جمعه را رخصت داد و گفت: «من شاء يصلی فليصل» اگر کسی بخواهد، بخواند.

{**برای تفصیلات مراجعه شود:** سید سابق «فقه السنّة جلد دوم {.

از خواهان و برادران گرامی دعوت می نمائیم تا صدقات شان را برای تقویت نشرات فقه اسلامی ارسال نموده در این عمل خیر شریک باشید

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one

کسانیکه بدون عذر افطار کنند بالای شان کفاره واجب می گردد و بغير از کفاره قضای روزه نیز واجب است. کسیکه در وقت گرفتن قضای روزه ، قصد افطار کند ، کفاره واجب نمی شود و اما قضای دارد.

در طول سال انسان میتواند قضای روزه را بگیرد و شرط نیست که بعد از ختم رمضان فوری باشد. در این مورد بی بی عایشه میگوید: حدیث عایشه رضی الله عنها که گفت: بر ذمہ من قضای روزه رمضان بود پس توان قضای مذکور را نداشتمن مگر در ماه شعبان. اگر شخصی نتوانست روزه قضای را نظر به عذر بگیرد و رمضان دیگر آمد گناه کار نمی گردد.

نماز عید

نماز عید سنت مؤکده و در سال اول هجرت مشروعیت یافت و رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم با مسلمانان آنرا اداء کردند . رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم مردان و زنان را بطور مساوی امر به بیرون شدن برای اداء نماز عید نمودند.

اداء نماز عید در مسجد جواز دارد ، اما اگر عذر برای اداء آن در خارج از مسجد نباشد بهتر است در خارج از مسجد اداء گردد.

وقت نماز عید : وقت نماز عید از بلند شدن آفتاب بقدر سه مترتا زوال است. در نماز عید آذان و اقامت نیست.

خواندن نماز قبل از نماز عید و بعد از آن: ثابت نیست که قبل از نماز عید و بعد از آن نماز سنت باشد و رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و صحابه قبل از نماز عید و بعد از آن نماز سنت را اداء نکرده اند. در مورد نماز نفل الحافظ ابن حجر در الفتح نقل میکند که در مورد نماز نفل ثابت نیست که منع شده باشد مگر اینکه در وقت که کراحتیت باشد.

خطبه عید: خطبه در نماز عید و استماع آن سنت است.